



۲۰۲۲/۰۴/۲۲



خلیل الله معروفی

## گوهری شاهگان از استاد سخن

"شعر" چنان یک کلام سَخار و وزین و موزونی را نامند، که به اصطلاح شیرین عوام قدیم و نازنین کابلجان:  
"زنگ از دل بنگ برمیگند!!!"

ساعت یک و نیم شب و به حساب فرنگی - صبح پگاهی ۲۱ اپریل ۲۰۲۲ - است و من همین لحظه شعر شهواری را از "استاد سخن" میخوانم و از آن لذتها همیبرم. مرادم از منظومه زیبای "فخرالشعراء و ملک الشعراء" حضرت "استاد محمد نسیم اسیر" است، که صفحه دیروز ۲۰ اپریل ۲۰۲۲ وبسایت معزز "آریانا افغانستان آنلاین" را مزین ساخته است. این منظومه گهرییز و گهرریز، که در هیئت "غزل" سروده شده است، بر حدیث بسیار معروف پیمبر اکرم، "حضرت محمد مصطفی"، ابتناء دارد؛ و آن حدیث معظم اینست:

### أطلبوا العلم و لو كان بالصين

(علم را بطلبید، ولو در چین باشد!!!)

اعراب خودخواهیها و سرزوریهای عجیب و غریبی دارند؛ مثلاً ضمن مُعامله با کلمات "بیگانه"، حروفی را، که برابر به مشام خود ندانند و یا در الفبای خود نداشته باشند، نظر به قاعده "تعریب" خود، به یکی از مخارج حروف عربی میبرند و آن لغت متضمن را "مُعَرَّب" میسازند. چنان، که حرف "ج" را در کلمه "چین" به "ص" تبدیل کرده و از آن کلمه مُعَرَّب "صین" را به دست آورده اند. پس "صین" مُعَرَّب "چین" است!!! و مثالهای دیگری اگر بزنیم:

- "گلاب" زبان ارجمند دری را "جُلاب" ساختند
  - "فیروزه" (اصلاً "فیروزگ") زبان دری را "فیروزج" ساختند
  - "گوزگان" یا "گوزگانان" سرزمین ما را "جوزجان" ساختند
  - "سکاوند" یا "سگاوند" کشور ما را "سجاوند" ساختند
  - "سکستان" یا "سگستان" کشور عزیز ما را "سیستان" و یا "سجستان" ساختند
  - "مهرگان" را "مهرجان" ساختند
  - "گُرگان" کشور فارس را "جُرجان" ساختند
  - "چاچ" (تاشکند قدیم) کشور ازبکستان را "شاش" ساختند
  - "تازه" (اصلاً "تازگ") فارسی ایران را "طازج" ساختند
- و از "صرف عربی"، که زبان را رگ میسازد، اگر بگذریم:

استاد سخن جناب "استاد محمد نسیم اسیر" همین حدیث عظیم‌الظنیر "پیامبر گرامی اسلام" را مبنا قرار داده و آن غزل شاهوار را انشاد فرموده اند؛ غزلی، که بر شعر گهربار حضرت "سعدی شیرازی" هم میچربد!!! این غزل آنقدر زیبا

و موافق به حال و احوال و شرائط حاضر وطن عزیز ما و خاصتاً برای زماداران زوراور و زورآفرین امروزی آن  
آنقدر "گوشمال دهنده" و عبرت‌انگیز است، که بر خود حتم کردم تا تمام غزل را درینجا نقل کنم؛ و بالخاصه حدیث  
"پیغمبر گرامی اسلام" را، که زیب و زینت مقطع غزل گردیده است، "جلی" بسازم، که در نشر استاد ما، "خفی" و  
به نحوی در هیئت "ناملموس" آمده است!!!

## طلب علم در چین!!!

آخر ای جمع شرارت‌آئین      که بُود تکیه تان مذهب و دین  
مذهب از شیوه تان، خونالود      دین از کرده تان، زهرآگین  
تکیه بر امر به معروف اینست؟      نهی از مُنکرتان هست همین؟  
که بُود مرد، همه پشمالود      زن بیچاره، همه خانه‌نشین  
نوجوانان همه محروم از علم      پیرمردان به غم و غصه قرین  
گر کس این امر اطاعت نکند      تازیانه بخورد، یاقمچین  
ساز و آواز و نشاط و مستی      محو باید شدن از نقش‌نگین  
این چه دین است که در سایه او      پیروانش همه باشند غمین  
دیگران سیر به افلاک کنند      ما ندانیم ره و رسم زمین  
نشیدی تو مگر این گفتار؟؟؟      از پیمبر، که بُود دُرّ ثمین

بهر آموختن علم بکوش!!!

أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ كَانِ بِالصِّينِ

(محمد نسیم «اسیر» - فرانکفورت - ۱۲ اپریل ۲۰۲۲)

درد دلی بود شاعرانه و از روی احساسی، که همین اکنون بر من حکمفرما گشته بود؛ و خدا کند، که گفته‌هایم مورد  
نظر پیر و استاد قرار گیرد!!! والسلام

(خلیل‌الله معروفی - جرمنی - ۲۱ اپریل ۲۰۲۲)



برای مطالب دیگر خلیل‌الله معروفی روی عکس کلیک کنید